

معماری و هنر

اوی

مسکن تاریخی قوم ترکمن



محدثه‌سادات میرحسینی*

کوچ‌نشینی کهن‌ترین شیوه‌ی زیست بشر بوده و تا عصر حاضر نیز نمونه‌هایی از آن در ایران و سایر کشورهای جهان باقی مانده است. اقوام کوچ‌نشین در سراسر دنیا به دلیل نوع زندگی و جابه‌جایی فصلی، پس از سده‌ها و شاید هزاره‌ها تجربه‌ی زندگی در حرکت و تغییرمکان، ضمن شناخت مواد و عناصر پیرامون مسیر زندگی‌شان، به نوعی تکنولوژی در ساخت مسکن خود دست یافتند که توانستند خانه‌ی خود را با خود حرکت دهند و نخستین نمونه‌های مسکن متحرک در دنیا را خلق کنند. هر یک از این اقوام بسته به اقلیم و جغرافیایی که در آن زندگی می‌کردند، با استفاده از مصالح بومی در دسترس برای خود اقدام به ساخت سرپناهی کرده‌اند که بتوانند در فصل کوچ آن را جمع کرده و در محل بیلاق یا قشلاق دوباره بگسترانند. مسلماً آنچه که ما امروزه به عنوان مسکن متحرک کوچ‌نشینان (عشایر) می‌شناسیم، در طی سالیان دراز و تجربه‌ی دیرینه‌ی زیست، دستخوش تغییراتی شده و به تکامل رسیده است.

یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین انواع سکونتگاه متحرک، سکونتگاه اقوام ترکمن است. خانه‌ی تاریخی قوم ترکمن که در زبان ترکمنی به آن «اوی» و در فارسی «آلاچیق ترکمنی» می‌نامند، دارای انواع گوناگونی است، اما به طور کل «اوی» در تمام نقاط ترکمن‌نشین دنیا اعم از ترکمنستان، ایران، افغانستان، مغولستان، چین، ترکیه، عراق و مانند این‌ها دارای شکل ساختمانی واحد بوده و حتی با وجود تفاوت‌هایی که در اجزاء «اوی» در نقاط مختلف دنیا و در بین طوایف گوناگون ترکمن وجود دارد، با این حال در جزئیات و حتی تزئینات، اغلب آن‌ها دارای اشتراکات زیادی با یکدیگر هستند.

*کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی

و عضو گروه معماری و هنر دانشنامه گلستان



اوبه ترکمنی - اینچه‌برون - ترکمن صحرا (منبع: کسراثیان، نصراله. ۱۳۹۱. گذار/عکس‌های ۵۹-۱۳۴۶)

قوم ترکمن

ترکمن‌ها را از اعقاب قبایل اغوز می‌دانند که در شمال دریای آرال می‌زیسته‌اند. اغوز (اگوز، غُز، غوز) گروهی از قبایل ترک بوده‌اند که در منابع تاریخی این گروه را معادل ترکمن‌ها دانسته‌اند. اجداد ترکمن‌های کنونی در اواخر قرن هشتم میلادی از مغولستان به سمت غرب و به سوی نواحی فرادست رودخانه ارتیش، دریای آرال و حاشیه‌های دره سیردریا (واقع در بخش جنوبی جمهوری قزاقستان کنونی)، کوچیده و وارد قلمرو سرزمین‌های اسلامی (اسلام آورده) شدند. پس از این جابه‌جایی گروهی از اقوام ترکمن یکجانشین شده و حتی شاخه‌هایی از آنان مانند سلجوقیان به سلطنت نیز رسیدند. با گسترش امپراطوری سلجوقی در حدود قرن دهم میلادی گروهی از ترکمن‌های کوچ‌نشین از شمال دریای آرال به سمت جنوب و غرب مهاجرت کردند. بنا بر آثار و شواهد موجود ظاهراً ترکمن‌ها پیش از قبول دین اسلام به دین شمنیسم معتقد بودند، اما تقریباً تا قرن چهارم هجری تمامی اقوام ترکمن به دین اسلام گرویده‌اند. در تاریخ قوم ترکمن، پس از اسلام، همواره با دو گروه عمده از ترکمن‌ها مواجه هستیم: نخست ترکمن‌های کوچ‌رو و دیگری ترکمن‌های یکجانشین و شهری و بعضاً حکومت‌گر. اما آنچه که در این مقال مدّ نظر است، همان ترکمن‌های کوچنده هستند که بخشی از آن‌ها تا کمتر از یک سده قبل در اراضی شمالی ایالت استرآباد و گرگان (استرآباد و صحرا/گرگان و دشت) به همان شیوه زندگی می‌کردند.

سیر تحول مسکن ترکمن‌های ایران

گروه عمده‌ای از ترکمن‌های کوچ‌رو از گذشته‌های بسیار دور در شمال سرزمین گرگان و استرآباد و بخش‌هایی از خراسان کوچ‌روی (بیلاق و قشلاق) می‌کردند و زندگی بخش عمده‌ای از آن‌ها از طریق دامداری تأمین می‌شد. در بیش از یک و نیم قرن پیش گروهی از ترکمن‌ها که در سواحل دریای خزر از طریق صیادی امرار معاش می‌کردند در بخش جنوب‌غربی دریای خزر (محدوده گمیش‌تپه و خواجه‌نفس واقع در استان گلستان کنونی) ساکن شده و گروهی نیز به کشاورزی روی آورده و یکجانشین شدند. اما هنوز عده‌ی زیادی از ترکمن‌ها به همان شیوه‌ی دیرینه کوچ‌رو بودند تا این‌که پس از انعقاد قرارداد آخال بین کشور ایران و روسیه در سال ۱۸۸۱م (۱۲۶۰ش) که منجر به تعیین مرز مناطق ترکمن‌نشین دوکشور در شرق دریای خزر شد، رفته‌رفته با فشار دو دولت روسیه و ایران رفت و آمد (بیلاق و قشلاق) ترکمن‌ها با محدودیت‌های جدی مواجه شد (هرچند که تا سال‌ها پس از انعقاد قرارداد آخال هنوز گروه‌های زیادی از طوایف ترکمن به آن طرف مرزها کوچ کرده و مجدداً بازمی‌گشتند)، بنابراین گروه دیگری نیز با توجه به محدودیت ایجاد شده یکجانشینی اختیار کردند. البته گروه‌هایی هم هم‌چنان به کوچ‌روی خود ادامه داده و تنها مسیر کوچ‌روی را تغییر دادند؛ یعنی آن‌ها که در خاک روسیه مانده‌بودند، در همان‌جا و آن‌ها که در خاک ایران مانده بودند در همان خاک ایران بیلاق و قشلاق می‌کردند. در نهایت در پی سیاست‌هایی که رضاشاه پهلوی در مورد عشایر پیش گرفت، ترکمن‌های ایران تخته‌قاپو شده و جبراً یکجانشین شدند؛ به دستور رضاشاه خانه‌هایی چهارگوشه (مربع) و تقریباً به همان اندازه‌ی «اوی» ترکمن به عنوان الگو ساختند تا ترکمن‌ها در آن ساکن شوند، این اقدام ابتدا با مخالفت و مقاومت ترکمن‌ها مواجه شد و تا سال‌های طولانی با وجود این‌که آن‌ها یکجانشین شده بودند ولی در همان «اوی»ها که سازه‌هایی متحرک بود سکونت می‌کردند و رفته‌رفته با الهام از ساختمان‌های چوبی گمیش‌تپه که قطعات آن‌ها در دوره‌ی قاجار از روسیه به این منطقه آورده و در این‌جا برپا شده بود، اقدام به ساخت خانه کردند، اما با این وجود هنوز «اوی»ها در جای خود برقرار و در کنار خانه‌های آجری، پابرجا بودند. بعد از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و به ویژه بعد از پایان جنگ تحمیلی (از اوایل دهه ۱۳۷۰) با گسترش شهرها و روستاها و افزایش ساخت و ساز، کم‌کم «اوی»ها برچیده شدند و تنها گروه‌های کوچکی از دامداران که هم‌چنان به زندگی عشایری خود پای‌بند بودند «اوی»ها را حفظ کردند، اما کم‌کم آن‌ها نیز به جای «برپا کردن و برچیدن اوی در فصول بیلاق و قشلاق، به ساخت کلبه‌های کوچک در محل بیلاق و قشلاق خود اقدام کردند و تنهای عده‌ای انگشت‌شمار «اوی‌نشین» باقی ماندند. تا اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ خورشیدی تصویر «اوی» ترکمن تقریباً به طور کامل از زمین

صحرای ترکمن حذف شد، تا این‌که مجدداً در اواخر دهه‌ی ۱۳۸۰ به دلیل توجه به مسئله گردشگری و به عبارتی با شروع انقلاب گردشگری، گروهی از ترکمن‌ها که علاقه‌مند به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم خود بودند، اقدام به برپا کردن «اوی» در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها و رستوران‌ها و مانند این‌ها کردند و با توسعه گردشگری در دهه‌ی ۱۳۹۰ رفته‌رفته بر تعداد «اوی»ها افزوده شد، اما تفاوتی که با قبل وجود داشت این بود که این اوی‌ها تماماً جنبه‌ی نمایشی و کاربری‌های غیرمسکونی داشتند. از طرفی در بسیاری موارد نیز در برپایی اوی تنها فرم ساختمان آن لحاظ می‌شد؛ لذا مصالح و جزئیات معماری آن با اوی‌های اصیل ترکمن کاملاً متفاوت بود.

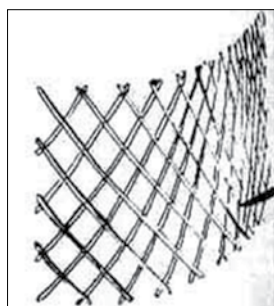
جالب توجه است که در تمام این مدت تنها یک خانواده‌ی ترکمن در منطقه‌ی سیمین‌شهر (امچلی سابق) به صورت سینه به سینه و نسل به نسل فنون ساخت اوی اصیل ترکمن را حفظ کرده و بنا به سفارشات اندکی که وجود داشت، به ساخت اوی اقدام می‌کردند.

معماری و ساختار «اوی»

اوی یا آلاچیق ترکمن تهرنگی (پلان/نقشه) به فرم دایره دارد؛ ساختار آن از دو بخش، شامل یک سازه عمودی به فرم هندسی استوانه و آسمانه‌ای (پوشش/سقف) به فرم هندسی نیم کره تشکیل شده است.

اوی دارای اسکلتی چوبی با اتصالات چرمی و پشمی است و به همین دلیل در زبان ترکمنی به آن آغاچ‌اوی (خانه چوبی) در مقابل داش‌اوی (خانه آجری یا سنگی) نیز می‌گویند.

اجزا و عناصر اوی



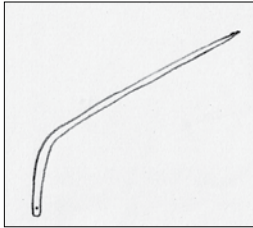
شکل ۱- تاریم و حالت استقرار آن
(منبع: پور کریم، ۱۳۴۷. اینچه بورون)

تاریم (تارم) عبارت است از چهار صفحه‌ی مشبک چوبی، هرکدام به ارتفاع ۱۷۰ سانتی‌متر و طول ۳۵۰ سانتی‌متر که با کنارهم قرار گرفتن و اتصال آن‌ها دیواره‌ی استوانه‌ای شکل اوی به قطر ۶ متر و محیط ۱۶ متر شکل می‌گیرد (البته در برخی از انواع اوی، سه تکه تاریم با طول بیشتر نیز به کار رفته است). هر «تاریم» از ۴۴ قطعه نوار چوبی مستحکم، شامل ۲۰ عدد کامل و ۲۴ عدد بُرش‌خورده، ساخته شده

که به صورت ضربیدی در کنارهم قرار گرفته و شبکه‌های لوزی‌شکلی را ایجاد می‌کنند. لبه‌های تاریم نیز به صورت

«X» است که به آن «دول» می‌گویند. این نوارهای چوبی را در گذشته‌های دور با تسمه‌هایی از چرم شتر یا ریسمان‌هایی از جنس روده‌ی گوسفند به هم متصل می‌کردند و بعدها به جای چرم و روده از طناب‌های پشمی و معمولی استفاده می‌شد. نحوه‌ی اتصال چوب‌های هر «تاریم» به گونه‌ای است که قابلیت باز و بسته شدن (به شکل

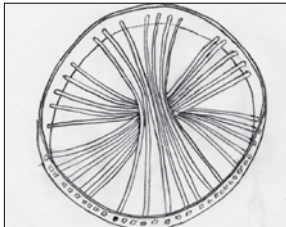
آکاردئونی) دارند. ارتفاع «تاریم»ها در حالت بسته به تقریب ۲۲۰ سانتی متر است. در قسمتی از «تاریم»ها که به چهارچوب در متصل می‌شوند قطعه چوبی با ارتفاع بیشتر قرار گرفته است که تکیه‌گاه در محسوب می‌شود.



شکل ۲- اوق

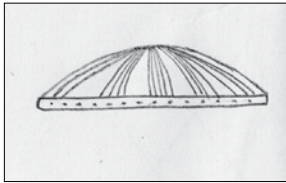
اوق عبارت است از چوب‌های خمیده شده و کمائی شکل که با کنار هم قرار دادن آن‌ها قسمت نیم کره ای اوی، در حدفاصل بین «تاریم» و «توی‌نوک»، شکل می‌گیرد. «اوق»ها از چوب‌های مستحکم و بادوام فراوری شده، که طول آن‌ها به تقریب ۳۳۰ سانتی متر است، تهیه می‌شوند. لبه‌ی فوقانی «اوق» تراش خورده و تیز و لبه‌ی تحتانی آن پهن و دارای سوراخی ریز است. در هر اوی بسته به بزرگ یا کوچک بودن

آن بین ۴۰ تا ۶۵ عدد اوق به‌کار می‌رود. به منظور فرم دادن به چوب «اوق» ابتدا آن را به اندازه لازم برش داده، سپس چوب‌ها را در آب می‌خیسانند، پس از این‌که چوب‌ها انعطاف‌پذیر شدند هریک از آن‌ها را به الگوها یا قالب‌هایی بسته و در آتش حرارت می‌دهند تا خشک شده و شکل بگیرد، به این عمل در زبان ترکمنی «بشیرمه» (پختن چوب) می‌گویند. در مرحله‌ی بعد چوب شکل گرفته را تراش می‌دهند تا به شکل استخوان دنده‌ی انسان یا حیوان درآید که به این کار نیز در زبان ترکمنی «آغاچ‌یونما» (تراشیدن چوب) می‌گویند.



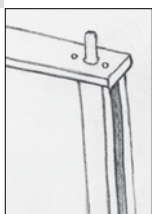
شکل ۳- توی‌نوک و پره‌های داخل آن از نمای بالا

توی‌نوک (توی‌نیک) عبارت است از صفحه‌ی دایره‌شکل که دارای یک کلاف گرد و در وسط آن تعداد ۲۴ عدد نوار چوبی خمیده قرار دارد که به آن «قانت» یا «پره» می‌گویند. «توی‌نوک» شبیه به یک کلاه عرقچین در رأس آسمانه (پوشش/سقف) اوی قرار می‌گیرد و نقش پنجره یا هواکش اوی را ایفا می‌کند. در بدنه‌ی کلاف چوبی دور «توی‌نوک» تعداد زیادی سوراخ (به تعداد اوق‌ها) تعبیه شده که محل قرار گرفتن قسمت فوقانی «اوق»ها است. به کلاف دایره‌شکل «توی‌نوک» چهار رشته طناب پشمی طویل بسته شده که در هنگام برپا کردن اسکلت اوی و قرار گرفتن توی‌نوک در رأس آسمانه (پوشش/سقف) اوی، این چهار رشته طناب را به تاریم می‌بندند.

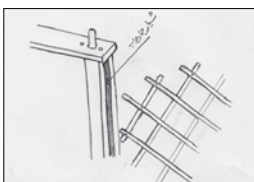


شکل ۴- نمای افقی توی‌نوک (در حالت استقرار در آسمانه اوی)

ایشیک (ایشگ) عبارت است از دو قطعه چوب کوتاه به اندازه‌ی عرض ورودی اوی که قسمت‌های بالا و پایین چهارچوب در را تشکیل می‌دهند؛ قطعه‌چوب پایینی که روی زمین قرار می‌گیرد در دلبه دارای یک سوراخ (کام) و یک فرورفتگی



شکل ۵- اتصال
ایشک به سوبه



شکل ۶- شیار محل اتصال تاریم به سوبه

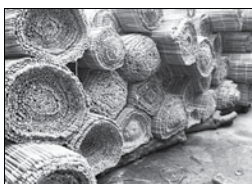
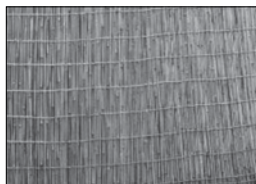
گرد است که در زبان فارسی به آن «پاشنه‌گرد» می‌گویند؛ سوراخ برای قرار گرفتن زبانه‌ی عنصر عمودی چهارچوب و فرورفتگی برای قرارگرفتن زائده‌ی پاشنه‌ی لنگه‌های در تعبیه شده است. قطعه‌چوب بالایی نیز در دولبه دارای دو سوراخ است که یکی محل قرار گرفتن زبانه‌ی عنصر عمودی چهارچوب و دیگری مخصوص زائده‌ی بالایی (بازوی) لنگه‌ی درها است.

سوبه عبارت است از دو قطعه چوب بلند به اندازه ارتفاع ورودی اوی که بازوهای چهارچوب در را تشکیل می‌دهند. هریک از «سوبه»ها در محل اتصال به «تارم» دارای شیار طولی هستند که لبه‌ی تاریم داخل این شیار قرار می‌گیرد. قافی (قاپی) عبارت است از درِ دولنگه‌ی چوبی که در محل ورودی اوی قرار می‌گیرد.



عکس ۱- قافی (در دولنگه)

قامیش عبارت است از سه صفحه‌ی حصیری که دورتادور «تاریم» و روی «دورلیق» قرار می‌گیرند. قامیش‌ها در واقع رشته‌های نی هستند (نی‌ها را از طول شکاف می‌دهند



عکس ۲- قامیش (حصیر)

و چهار رشته می‌کنند) که با نخ به هم بافته می‌شوند. به این نوع حصیربافی با نی در زبان ترکمنی «چیقما» می‌گویند. ارتفاع قامیش‌ها به تقریب ۱۷۰ سانتی‌متر است. دو قطعه از «قامیش»‌ها حدود ۳۰۰ سانتی‌متر طول دارند که در دو طرف در ورودی اوی قرار می‌گیرند و یک قطعه از آن‌ها حدود ۲۰۰ سانتی‌متر طول دارد که در پشت اوی و مقابل در ورودی قرار می‌گیرد. به این قطعه‌ی سوم «گوت‌قامیش» می‌گویند که معمولاً در روزهای تابستان و در زمان‌هایی که هوا گرم است، آن را لوله و جمع می‌کنند تا هوا در داخل اوی جریان یابد.

کچه یا نمد به طور کل نقش پوشش نهایی (اندود) آلاچیق را ایفا می‌کند. به غیر از نوعی نمد ضخیم نقش‌دار که در داخل اوی، کف زمین را می‌پوشاند، انواع دیگری نمدهای نازک (البته آغشته به روغن و آب‌گریز) و بدون نقش وجود دارد که برای پوشش بخش‌های مختلف اسکلت اوی به کار می‌رود که هم عایق رطوبتی، هم عایق حرارتی و هم عایق ضدآب و هم عایق ضدحریق محسوب می‌شود. در زبان ترکمنی به عملیات نمدمالی **باسما** می‌گویند. همان‌طور که می‌دانیم نمد آب‌دوست بوده و آب را به خود جذب می‌کند، اما فرم گنبدی اوی باعث می‌شود که آب باران جذب شده توسط نمدی که اوی را پوشانده، در بین الیاف نمد از بالا به پایین حرکت کرده و آب را به زمین منتقل کند. با توجه به این خاصیت نمد، معمولاً گرداگرد محیط بیرونی اوی در روی زمین شیاری مانند جویبی کم‌عمق حفر می‌کنند و انتهای نمد دیواره‌ی اوی (دورلیق) را داخل این جوی قرار می‌دهند تا آب باران جذب‌شده از بالا ره پایین و سپس به جوی کنده شده منتقل شود. نکته‌ی جالب این‌جاست که معمولاً در مدت کوتاهی پس از بند آمدن باران (حدود ۳۰ تا ۶۰ دقیقه) نمدها به کلی خشک می‌شوند و فقط آن بخشی که داخل جوی بوده خیس می‌ماند. البته به دلیل شناخت خاصیت آب‌دوستی نمد، در روزگاران گذشته، گاهی سطح بیرونی نمدهای سفید آق‌اوی را که متعلق به طبقه‌ی اشراف و یا اوی‌های تازه‌ساز بودند، با پیه (چربی) شتر یا گوسفند آغشته و آب‌گریز می‌کردند تا در فصول بارندگی‌های پی‌درپی، آب باران جذب نمد نشود. از سوی دیگر به دلیل این‌که در بخش مرکزی داخل اوی‌ها یک اجاق بدون دودکش وجود داشت و این اجاق نیز مصرف روزانه داشت و به عبارتی هر روز روشن شده و مورد استفاده قرار می‌گرفت، پس از مدت کوتاهی یک لایه چربی دوده بر روی سطح داخلی نمدهای نو و جدید می‌نشست و مانع از نفوذ آب باران به داخل اوی می‌شد. بنابراین حتی اگر نمد با پیه (چربی) آغشته نشده بود و یا به مرور زمان این چربی خاصیت خود را ازدست می‌داد، بازهم از داخل یک عایق از دوده وجود داشت که هرروز تجدید و تمدید شده و بر ضخامت آن نیز افزوده می‌گشت. این نکته نیز لازم به ذکر است که اگر در آستانه‌ی فصول پرباران یک اوی جدید ساخته می‌شد و یا نمدهای پوشش اوی

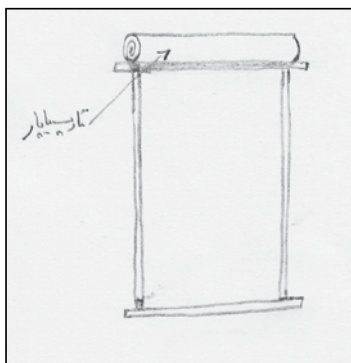
تعویض شده و نم جدید جایگزین می‌شد، قبل از انتقال وسایل زندگی و مستقر شدن در اوی، سعی می‌کردند چند روزی با سوزاندن چوب و علف و خاشاک و فضولات حیوانات، سطح داخلی پوشش جدید اوی را دود بدهند تا عایق شود.

الف- دورلیق (دورلیق / دورلوق) عبارت است از چهار تکه نم مستطیل شکل که «تاریم»ها را می‌پوشاند و یا به عبارتی دیواره اوی را پوشش می‌دهد. البته در برخی اوی‌ها برای پوشاندن تاریم، به جای چهار تکه نم، از دو تکه نم با طول بیشتر استفاده می‌کنند.

ب- اوزوک عبارت است از دو قطعه نم دوزنقه‌ای شکل که «اوق»ها را می‌پوشاند و یا به عبارتی قسمت آسمانه (پوشش/سقف) اوی را پوشش می‌دهد.

ج- سرفک / سرپک (توینیک کچه / توی نوک کچه) عبارت است از یک قطعه نم دایره‌شکل که «توی نوک» را می‌پوشاند و یا به عبارتی دیگر روزنه دایره‌ای شکل سقف اوی را پوشش می‌دهد. این نم که قطر آن به تقریب ۲ متر است، دور آن چهار رشته طناب پشمی طویل دوخته شده که معمولاً سه رشته از این طناب‌ها را از زیر نم اوزوک عبور داده و به تاریم می‌بندند و یکی از رشته‌ها را باز گذاشته، تا هرگاه که خواستند بتوانند آن را کنار زده تا هم دود اجاق بیرون رود و هم نور خورشید به داخل اوی بتابد.

د- تارپ یا پار / تارپ یفر (قافی توتی) عبارت است از یک قطعه نم مستطیل شکل که



شکل ۷- تارپ یا پار در حالی که بالای قافی لوله شده است

ابعاد آن به اندازه چهارچوب ورودی اوی است و ورودی را می‌پوشاند. در یک سوی عرض این نم تعدادی ریسمان پشمی دوخته شده که این ریسمان‌ها را به «ایشک» بالایی (قسمت بالای چهارچوب ورودی) می‌بندند. معمولاً در طول روز این نم را از پایین لوله کرده و با ریسمان‌هایی که در قسمت پایین آن دوخته شده، آن را در بالای ورودی جمع کرده و می‌بندند. در اوی‌هایی که دارای در چوبی هستند، معمولاً «تارپ یا پار» را نصب نمی‌کنند، مگر این‌که هوا بسیار سرد باشد و

بخواهند از ورود سرمای هوا از لابه‌لای درزهای در جلوگیری کنند.

ه- کشمه عبارت است از نمدی ضخیم و آغشته به روغن (پیه) شتر که در زمستان‌ها برای پوشاندن دور اوی استفاده می‌شود. معمولاً این نم را روی «دورلیق» و یا از داخل اوی دورتا دور «تاریم» می‌بندند.

ایشمه و اورمه عبارت است از طناب‌های پشمی چندرشته‌ای تاییده که آن‌ها را به تکه‌های نمدی اوی (دورلیق، اوزوک، سرفک و مانند این‌ها) می‌دوزند. برخی از این

طناب‌ها دارای منگوله نیز هستند. در زبان ترکمنی طناب‌بافی را **اؤرمه** و منگوله‌بافی را **ایشمه** می‌گویند.

دورلوق یاقا (دورلوق یاخا/ دورلیق یاقا) عبارت است از یک قطعه نوار پشمی پلاس‌باف به عرض تقریبی بین ۳۰ تا ۴۵ سانتی‌متر و طول ۱۶ متر که در دو سر آن دورشته طناب یکسره، شبیه به ریشه‌های بلند گیس‌باف، از جنس خود نوار بافته شده است. این نوار ۱۶ متری در میانه‌ی ارتفاع «تاریم»‌ها بسته شده و به استحکام و عمود ایستادن «تاریم» کمک می‌کند.

بیل یوپ عبارت است از یک قطعه نوار پشمی گلیم‌باف به طول ۱۶ متر و عرضی کمتر از «دورلوق یاقا» (حدود ۱۵ تا ۲۵ سانتی‌متر) که در دوسر آن دورشته طناب یکسره بافته شده است. این نوار کمی بالاتر از «دورلوق یاقا» و تقریباً در رأس «تاریم»، نزدیک به محل اتصال «تاریم» و «اوق» بسته می‌شود و نقش کمربندی برای اوی را ایفا می‌کند.

دوزی عبارت است از تسمه‌ی پشمی طویل به عرض تقریبی ۲ سانتی‌متر که به صورت گلیم بافته شده و از آن برای بستن «اوق»‌ها به یکدیگر، در دورتادور اوی، استفاده می‌شود. در زبان ترکمنی به عمل گلیم‌بافی و پلاس‌بافی قاقما می‌گویند.

آق یوپ عبارت است از نزاری پشمی و باریک که برای بستن حصیر (قامیش) دور اوی به کار می‌رود. آق‌یوپ را از وسط قامیش مانند کمربندی عبور داده و دو سر آن را به دو بازوی چهارچوب در اوی می‌بندند.

باش یوپ عبارت است از طناب‌های پشمی نازک اما محکم که از آن‌ها برای بستن «اوق»‌ها در محل اتصال به «تاریم» استفاده می‌شود.

قولانگ عبارت است از طناب پشمی پهن و طویل که پس از پوشاندن اسکلت اوی با نمد، این طناب‌ها را مانند کمربند دور نمد می‌بندند.

توی نوک یوپ (توی‌نگ‌باق) عبارت است از طنابی پشمی که از یک سو به مرکز «توی‌نوک» (رأس گنبد اوی) بسته شده و از سوی دیگر به داخل اوی آویزان است. معمولاً شیئی سنگین مانند یک کیسه آرد را به آن می‌بندد تا در زمان بادهای شدید و طوفان از متلاشی شدن و برهم خوردن تعادل سازه‌ی اوی جلوگیری کند.^۱

اورقان (ارقن) عبارت است از دو رشته طناب پشمی کلفت که به صورت ضربدری از بالای اوی عبور داده و در شرایط عادی سه سر طناب‌ها را به میخ‌های چوبی (چوچی قازیق) که در اطراف اوی به زمین کوبیده شده، بسته و یکی را آزاد می‌گذارند و در مواقع طوفان، آن یک سر آزاد را با تمام قدرت کشیده و به میخ چهارم می‌بندند. **چوچی (چوچه قازیق)** عبارت است از چهار میخ چوبی که در طرفین اوی به زمین کوبیده و در هنگام وزش طوفان، «ارقن» را که از روی اوی عبور داده‌اند به آن‌ها می‌بندند تا از اوی درمقابل بادهای شدید محافظت کند.

۱ - در هنگام وقوع طوفان‌های شدید مرد خانواده این طناب را کشیده و محکم نگاه می‌دارد تا از متلاشی شدن سازه جلوگیری شود.

قازیق عبارت است از میخ‌های کوچک چوبی به تعداد تقریبی ۸ عدد که در اطراف اوی زمین کوبیده و در مواقع وزش بادهای شدید، «تاریم»‌ها را با طناب‌هایی به این میخ‌ها می‌بندند. در انواع ساده‌تر اوی مانند «گوت‌تگمه» که فاقد تاریم هستند، «اوق»‌ها را روی زمین گذاشته، دورتادور آن تعداد زیادی «قازیق» به زمین می‌کوبند و پایه‌ی «اوق»‌ها را با طناب به «قازیق»‌ها محکم می‌کنند.

توتی پرده‌ای که در داخل اوی برای تقسیم فضای خواب «دویب» به کار می‌رود.^۲ توتی معمولاً در اوی‌های متعلق به خانوارهای پیوسته و گسترده استفاده می‌شود. توتی‌ها را در زمان خواب گسترده و روزها جمع می‌کنند.^۳

انواع اوی

آق‌اوی عبارت است از آن دسته از اوی‌ها که دارای نمدهای سفیدرنگ هستند. در اصطلاح به اوی‌های نو و تازه‌ساز و هم‌چنین اوی‌های بزرگ و اشرافی نیز «آق‌اوی» می‌گویند. در گذشته «آق‌اوی» به طبقه‌ی اربابان یا صاحبان دام که به آن‌ها «خوجابین» گفته می‌شود، تعلق داشته است. برخی معتقدند که در گذشته‌های بسیار دور «آق‌اوی» مختص به ترکمن‌های «آق‌قویونلو» (صاحبان گوسفندان سفید) بوده است. در دهه‌های اخیر که ترکمن‌ها در خانه‌هایی چوبی یا ساختمان‌هایی با سازه‌ی بنایی ساکن شدند، اوی‌ها بیشتر متعلق به طبقه‌ی شبانان بوده و آق‌اوی را تنها برای مراسم و تشریفات خاص مانند عروسی، میهمانی، جشن، اعیاد و... برپا می‌کردند. گاهی اوقات برخی رؤسای قبایل که افراد سرشناس و بانفوذی بودند، علاوه بر یک آق‌اوی که محل سکونت خود و خانواده‌شان بود، یک یا دو آق‌اوی و یا یک آق‌اوی و چند قره‌اوی نیز آماده و مهیا داشتند برای پذیرایی از میهمانان و خدمه‌ی آنان و هم‌چنین برای برگزاری جلسات و...

قره‌اوی (قرا اوی / قارا اوی) عبارت است از آن دسته از اوی‌ها که دارای نمدهای تیره‌رنگ هستند. در اصطلاح به اوی‌های کهنه و قدیمی که نمدهای آن‌ها چرک و دوده‌گرفته شده و نیز اوی‌های کوچک و محقر «قرا اوی» می‌گویند. بنابراین ممکن است یک «آق‌اوی» در صورت کهنه شدن «قرا اوی» خوانده شود. البته برخی از پژوهشگران قره‌اوی را معادل «گوت‌تگمه» دانسته‌اند و می‌گویند قره‌اوی‌ها در واقع اوی‌های چوپانی و بدون تاریم است که به واسطه‌ی نداشتن تاریم ارتفاع آن حدود ۲ متر کوتاه‌تر از آق‌اوی است و به واسطه‌ی کوتاه بودن ارتفاع آن سقف آن از داخل بیشتر دود گرفته و شدیداً سیاه می‌شود. اما نمونه‌هایی از قره‌اوی‌ها وجود دارد که دارای تاریم هستند، اما تاریم‌های آن‌ها اندکی کوتاه‌تر از تاریم‌های آق‌اوی و هم‌چنین قطر دایره‌ای که تشکیل می‌دهند نیز کمتر از آق‌اوی است. در گذشته‌های دور «قرا اوی» مختص به ترکمن‌های قراقویونلو (دارنده گوسفند‌های سیاه) بوده است.

نکته: بنابر نظریات مذکور در ادواری از تاریخ، وجود «آق‌اوی» و «قره‌اوی» نشان‌دهنده‌ی

۲ - معمولاً در یک اوی بیش از سه خانواده (خانواده پدر و دو پسر با همسر و فرزندان) زندگی نمی‌کنند و در صورتی که پسر دیگری ازدواج کند، اقدام به برپایی یک اوی برای فرزند ارشد خواهند کرد.

۳ - تا زمانی که رئیس خانواده (پدر و مادر یا فرزند ارشد و همسرش) نخواستند، همگی بیدار می‌مانند و ترتیب خوابیدن آن‌ها به این صورت است که ابتدا رئیس خانواده، توتی خود را می‌کشد و می‌خوابد، سپس فرزند ارشد این کار را می‌کند و در آخر پسر متاهل کوچکتر.

گروه قومی (آق قویونلو یا قراقویونلو)، یا نشان‌دهنده‌ی طبقه‌ی اجتماعی قوم (ارباب و رعیت) بوده و در دهه‌های اخیر نشان‌دهنده‌ی برپایی جشن و عروسی و تشکیل خانواده‌ی جدید و... است.

چاتمه عبارت است از خرگاهی موقت که با تکیه دادن دو «تاریم» به یکدیگر و گره زدن قسمت فوقانی آن‌ها، برپا می‌شود. عشایر ترکمن در حین ییلاق و قشلاق، وقتی می‌خواهند برای چند ساعت اتراق کرده و از گزند آفتاب و باد و... در امان باشند، «چاتمه» می‌زنند.

گوت تگمه (گت تیکمه) عبارت است از نوعی اوی ساده که فاقد «تاریم» است. چوپانان ترکمن در زمان‌های چرای گوسفندان که هرچند روز یا چند هفته یک‌بار جابه‌جا می‌شوند، این نوع اوی را برپا می‌کنند. البته گاهی هم آن‌ها که وضع مالی مناسبی نداشته‌اند از این نوع اوی استفاده می‌کرده‌اند. برخی از پژوهشگران «گوت تگمه» را معادل همان «قره‌اوی» (اوی متعلق به شبانان یا خانواده‌های رعیتی) دانسته‌اند.

فضای داخلی اوی

هرچند در نگاه یک شخص ناآشنا داخل اوی تنها یک محیط دایره یکپارچه و تفکیک‌نشده است، اما هر قسمت از آن برای یک خانواده‌ی ترکمن تعریفی مجزا دارد. البته یک نکته لازم به ذکر است که برخی از این فضاها در زمان‌ها و شرایط مختلف تعاریف و کاربردهای گوناگون دارند، یعنی یک قسمت از اوی ممکن است در روز یک کاربرد و در شب کاربری دیگر داشته و یا یک قسمت در شرایط عادی زندگی یک کاربرد و در زمانی که میهمانی بر خانواده‌ی ترکمن وارد می‌شود، همان فضا به نشیمن میهمان تغییر کاربری می‌دهد، اما نکته‌ی حایز اهمیت این است که این تغییر کاربری‌ها نیز تعریف شده است، بدین معنی که وقتی میهمانی وارد می‌شود هم خود میهمان (اگر ترکمن باشد) و هم تمامی اعضای خانواده می‌دانند که جای نشیمن میهمان کجاست.

ولو این‌که تا قبل از ورود میهمان آن فضا به کار دیگری اختصاص داشته باشد. **کفش‌کن** جلوی ورودی اوی به عرض در ورودی و به عمق ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر به سمت داخل، محل درآوردن کفش است.

أُجُق (اجاق) تقریباً در مرکز اوی، در زیر «توی‌نوک» (با اندکی تمایل به سمت در ورودی) مکان اجاق است که با دیواره‌ای گلی بر روی زمین مشخص می‌شود.

چالی (آش‌بوری) محلی در سمت چپ در ورودی اوی، برای ذخیره‌ی آذوقه و شیر دوشیده شده و تهیه پنیر و کره و انواع خوراک، که مدیریت آن با زنان است.

آشلیق‌بوری محلی در سمت راست در ورودی اوی، مقابل «چالی» که بخشی از آن به وسیله حصیر از بقیه قسمت‌ها جدا شده و در داخل آن بره‌ها و بزغاله‌های نوزاد را نگهداری می‌کنند. در قسمت دیگر آن (خارج از حصیر غله و آرد و امثال آن نگهداری

می‌شود و معمولاً مدیریت آن با مردان خانواده است.

به‌ورته‌لار (بورتلار) در سمت چپ ورودی اوی، بعد از «چالی» یک کُمد افقی قرار دارد که به آن «به‌ورته‌لار» و به صورت مخفف «ته‌لار» می‌گویند که داخل آن مشک روغن و برخی لوازم زندگی و روی آن رخت‌خواب قرار می‌گیرد.

اجق‌باشی (اجاق‌باشی) قسمت راست اجاق (نیمه راست مرکزی اوی تا انتهای آن) که محل استراحت و نشیمن چوپانان است.

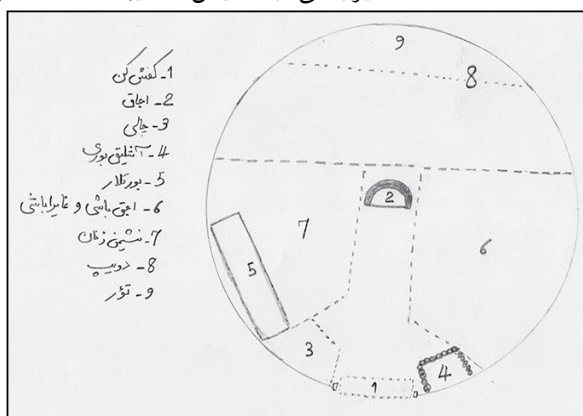
غایر‌باشی منطبق است بر همان محل «اجق‌باشی» که در مواقع عادی محل نشیمن مردان و در صورت ورود مهمان، محل نشیمن مهمان است.

نشیمن زنان حداثی بین «به‌ورته‌لار» و «اجق» و نقطه مقابل «غایر‌باشی» مخصوص نشیمن‌گاه زنان و دختران است. معمولاً دارهای قالیچه و قالی را نیز در همین مکان قرار می‌دهند.

دویب (دیپ) بخش انتهایی چادر که مکان خواب شبانه‌ی اعضای خانواده است و در روزها بخشی از آن به عنوان نشیمن‌گاه مردان و بخشی نشیمن‌گاه زنان استفاده می‌شود. در واقع شب‌هنگام و در وقت خواب گاهی فضای «اجق‌باشی» یا «غایر‌باشی» نیز جزو محدوده‌ی «دویب» محسوب می‌شود.

در صورتی که خانوار ساکن در یک اوی بیش از یک خانواده باشند، یعنی پسر خانواده و همسرش نیز در آن زندگی کنند، در موقع خواب، فضای دویب را با پرده‌هایی به نام «توتی» تفکیک می‌کنند.

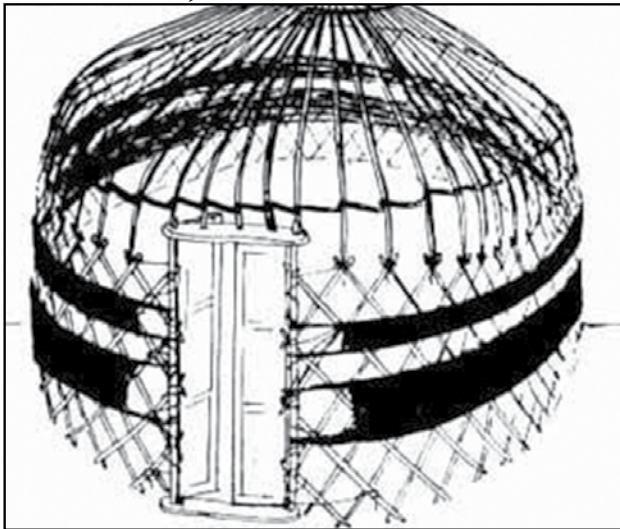
تور قسمت انتهایی فضای داخلی اوی، دقیقاً روبه‌رو و قرینه‌ی در ورودی که محل نشستن میهمان و به نوعی صدر و بالای اوی محسوب می‌شود. «تور» بخشی از «دویب» به حساب می‌آید که روزها به عنوان میهمان‌خانه، با پُشتی و تُشکچه، آماده‌ی میزبانی از میهمان است و شب‌ها محل خواب. اگر تعداد میهمانان زیاد باشد، محدوده‌ی انتهایی اوی (تور) تا کمی جلوتر متمایل به سمت راست اجاق (غایر‌باشی) به نشیمن‌گاه میهمان اختصاص می‌یابد.



نقشه ۱- تفکیک کاربردی فضای داخلی اوی بر اساس تعاریف فرهنگ ترکمن

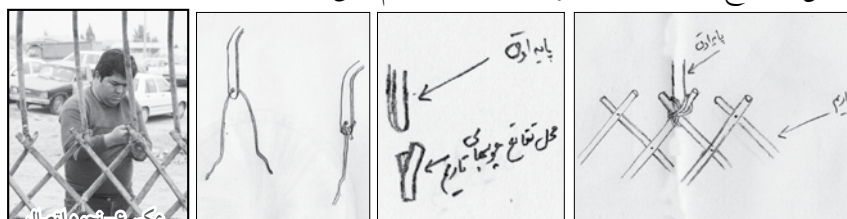
مراحل برپا کردن اوی

معمولاً برپا کردن اوی جزو وظایف زنان ترکمن است، چنان‌که زنان همسایه نیز به کمک آن‌ها می‌آیند، اما این بدان معنا نیست که مردان نمی‌توانند در این کار نقشی داشته باشند. پس از تعیین روز خوش‌یمن و مناسب، زمینی هموار در نقطه‌ای به نسبت مرتفع را انتخاب کرده، سطح زمین را صاف و خار و خاشاک را کنده و سنگ‌ها را جمع می‌کنند. نخستین مرحله در برپا کردن اسکلت اوی، اجرای چهارچوب در است. به این منظور ابتدا جهت قرارگیری در را مشخص کرده و قسمت تحتانی چهارچوب را روی زمین می‌گذارند، سپس بازوهای کلاف چهارچوب در جای خود قرار گرفته و در نهایت قسمت فوقانی کلاف را روی آن قرار می‌دهند و آن را محکم می‌کنند. لازم به ذکر است که معمولاً در ورودی اوی را در جهت جنوب و کمی متمایل به شرق قرار می‌دهند. برای این‌که چهارچوب به صورت عمودی بایستد، آن را از دو طرف با طناب به زمین بسته و مهار می‌کنند و یا با تیرکی که به آن حایل می‌کنند، آن را در حالت عمودی نگاه می‌دارند. سپس نخستین «تاریم» را به یک طرف چهارچوب متصل کرده و بعد از آن، قطعات دیگر را گذاشته و به هم وصل می‌کنند، تا آخرین قطعه (قطعه‌ی سوم یا چهارم؛ بسته به این‌که تاریم سه قسمتی یا چهار قسمتی باشد) به طرف دیگر چهارچوب متصل شود. وقتی تاریم‌ها یک استوانه‌ی کامل را تشکیل دادند، کمره‌ی آن‌ها را با «دورلیق‌یاقا» می‌بندند و سپس قسمت بالای آن را نیز با «بیل‌یوپ» محکم می‌کنند. (طناب‌های گیس‌باف یک سر «دورلیق‌یاقا» و «بیل‌یوپ» را به یک بازوی چهارچوب در بسته، آن‌گاه آن‌ها را مانند کمربندی روی تاریم می‌کشند تا به طرف دیگر چهارچوب در برسد، سپس طناب‌های سر دیگر این دو نوار را به بازوی دیگر چهارچوب در بسته و محکم می‌کنند.)



شکل ۸- نحوه اتصال دورلیق‌یاقا و بیل‌یوپ دور تاریم (منبع: پورکریم، ۱۳۴۷. اینچه‌بورون)

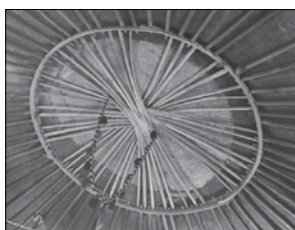
پس از این که تاریم‌ها در جای خود استوار شدند، تعداد ۸ عدد «اوق» را (دوتا دوتا) در چهار طرف «توی نوک» نصب کرده و چهار نفر «اوق»‌ها را گرفته (هر نفر دو «اوق») و «توی نوک» را بلند می‌کنند، در این مرحله معمولاً یک نفر هم با یک تیرک چوبی بلند «توی نوک» را از زیر در رأس دایره‌ی «تاریم» نگاه می‌دارد، سپس آن چهار نفر که «اوق»‌ها را در دست دارند، پایه‌ی «اوق»‌ها را روی محل تلاقی چوب‌های «تاریم» که به شکل (X) بوده و به آن‌ها «دول» گفته می‌شود، قرار داده و طناب‌های نازک پشمی را که داخل سوراخ انتهایی «اوق» قرار دارد، به «تاریم» می‌بندند.



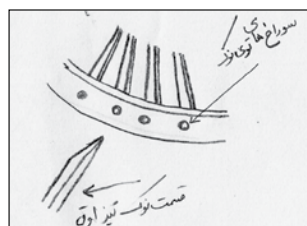
عکس ۸- نحوه اتصال اوق به تاریم

شکل ۹- نحوه اتصال پایه اوق روی تاریم

پس از این که «اوق»‌ها از چهار طرف به تاریم وصل شدند، مابقی «اوق»‌ها را در حدفصل بین «تاریم» و «توی نوک» نصب می‌کنند. طریقه‌ی اتصال «اوق» به «تاریم» و «توی نوک» بدین صورت است که سر تراش خورده و تیز «اوق» را با فشار داخل سوراخ «توی نوک» فرو کرده و انتهای «اوق» را که پهن و سوراخ‌دار است روی محل تلاقی چوب‌های «تاریم» قرار داده و با طناب نازکی که داخل سوراخ انتهایی «اوق» تعبیه شده، آن را به «تاریم» بسته و محکم می‌کنند. آن‌ها را به هم متصل کرد و گروهی نیز تعدادی «اوق» را از چهار طرف تاریم‌ها، بین تاریم و توی نوک نصب می‌کنند. پس از این که تمام «اوق»‌ها را نصب کردند، آن‌ها را با تسمه‌هایی به نام «دوزی» به یکدیگر متصل و محکم می‌کنند تا تمامی «اوق»‌ها ساختاری یکپارچه پیدا کنند.



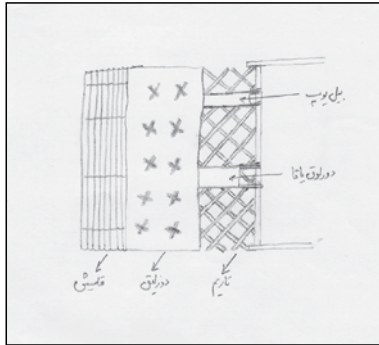
عکس ۷- اتصال اوق به توی نوک



شکل ۱۰- نحوه اتصال نوک اوق به توی نوک

علاوه براین، چهار رشته طناب بلند را که یک سر آن‌ها به کلاف دایره‌شکل «توی نوک» بسته شده، از طرف دیگر کشیده و به «تاریم» می‌بندند. در این مرحله اسکلت چوبی اوی آماده شده و نوبت به پوشش آن می‌رسد.

در این مرحله ابتدا نمدهای «اوزک» را روی «اوق»ها محکم کرده، سپس نم «سرفک» را روی «توی نوک» قرار داده و سه رشته از چهار رشته طناب دوخته شده به آن را به «تاریم‌ها» یا «اوق»ها می‌بندند. در آخر «تاریم» را با نم «دورلیق» پوشانیده و با طناب‌های پشمی که به دورلیق دوخته شده، آن را به بدنه‌ی تاریم محکم می‌کنند. در آخر نیز یک نوار پشمی باریک و دراز به نام «قولانگ» را مانند کمربندی روی دورلیق کشیده و دو سر آن را به چهارچوب در اوی محکم می‌بندند. لازم به ذکر است که در فصولی که بارندگی زیاد است، زمین دورتادور محیط خارجی اوی را مقداری کنده، انتهای نم دورلیق را کشیده و به سمت بیرون شیب داده، داخل شیار زمین قرار می‌دهند تا آب باران از زیر تاریم به داخل اوی نفوذ نکند. (بعضی‌ها پای قطعه تاریمی که در قسمت غربی اوی قرار داشت، کُپه‌ای خاک به شکل «ماه‌یچه» ایجاد می‌کردند و پایین نم دورلیق سمت غربی اوی که کمی عریض‌تر بود را به سمت بیرون شیب داده و لبه‌ی آن را داخل شیار ایجاد شده در زمین که از پایه‌ی تاریم فاصله داشت، قرار می‌دادند و بدین طریق از نفوذ آب باران، حتی باران‌های شدید غربی، به داخل اوی جلوگیری می‌کردند.) پس از این مرحله دورتادور تاریم و روی دورلیق را با حصیرهایی به نام «قامیش» می‌پوشانند. سپس کمره‌ی قامیش را با نواری پشمی و باریک به نام «آق‌یوپ» بسته و دو سر آن را به دو بازوی کلاف چهارچوب در محکم می‌کنند.



شکل ۱۱- نمایش لایه‌های پوشش روی تاریم

البته این نکته لازم به ذکر است که گاهی اوقات در تابستان‌ها از بستن نم دورلیق روی تاریم خودداری کرده و تاریم را تنها با قامیش (حصیر) می‌پوشانند تا هم داخل اوی دید نداشته باشد و هم هوا از منفذهای قامیش عبور کرده و باعث خنک شدن فضای داخل اوی شود.

پس از این‌که پوشش جداره‌های اوی تکمیل شد، دو رشته طناب پشمی به نام «ارقن» را به صورت ضربدری از روی اوی عبور داده و به چهار میخ چوبی به نام «چوچی قازیق» که در اطراف اوی به زمین کوبیده شده، می‌بندند. البته معمولاً سه سر طناب‌ها را به سه

«چوچی» بسته و یک سر آن را آزاد می‌گذارند و در هنگام وزش بادهای شدید و طوفان آن را محکم کشیده و به چوچی چهارم می‌بندند. اکنون ساختمان اوی آماده شده و باید داخل آن فرش شود، اما قبل از مفروش کردن اوی ابتدا دو کار لازم است: نخست آن‌که محل اجاق که دقیقاً زیر توی‌نوک است مشخص شده و با گل دیواره‌ی آن را بسازند، دیگر این‌که برای جلوگیری از نفوذ رطوبت صعودی، سطح زمین داخل اوی را با نوعی از علف‌های بومی منطقه به نام «قلدرقن» بپوشانند.

* برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:

پورکریم، هوشنگ. اینچه‌بورون. مجله هنر و مردم. تهران: انتشارات اداره فرهنگ‌عامه، شماره ۷۳، آبان ۱۳۴۷. شریعت‌زاده، سیدعلی‌اصغر. آلاچیق ترکمن. مجموعه مقالات مردم‌شناسی (دفتر اول). تهران: میراث فرهنگی. ۱۳۶۶.

فجوری، ستاربردی. بررسی مسکن عشایر با تأکید بر آلاچیق ترکمن‌ها. گرگان، انتشارات مختومقلی فراغی. ۱۳۸۹.

سن‌سبلی، نورالدین. اوی (در دانشنامه گلستان). گرگان، نشر بنام (وابسته به موسسه فرهنگی میرداماد). ۱۳۹۵، صص ۲۱۷-۲۱۵.

پایدار، تیمور و جمال‌الدین توماج‌نیا. آلاچیق ترکمن (اوی). سایت معماری و شهرسازی معاصر ایران www.memarnet.com/en/node

پوری، عبدالحمید. آق‌اوی (آلاچیق ترکمن اولین ساعت آفتابی جهان). سایت فالیکده. بارگذاری ۱۳۹۶/۴/۴. <http://www.iran-carpent.com/fa/blog/detail/12139>